

نقش اعتقادات و آموزه‌های دینی در توانمندسازی و خلاقیت نیروی انسانی (با رویکرد قرآنی)

محمدحسین حجتی^۱

دریافت: ۱۷-۳-۱۴۰۴

پذیرش: ۱۳-۴-۱۴۰۴

چکیده

پژوهش پیشرو به بررسی رابطه میان اعتقادات و آموزه‌های دینی و نقش آن‌ها در توانمندسازی، خلاقیت و تعالی نیروی انسانی از دیدگاه قرآن کریم می‌پردازد. در دنیای امروز که پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی با سرعت سرسام‌آور و شگرفی در حال حرکت به جلو و رو به گسترش است، توانمندسازی، خلاقیت و تعالی نیروی انسانی و نوآوری در ایده پردازی و تولیدات به‌عنوان موتور محرکه توسعه، پیشرفت و تعالی سازمان‌ها و جوامع تلقی می‌شوند. در این میان نیروی انسانی به‌منزله ستون فقرات و به‌عنوان اصلی‌ترین سرمایه و داشته هر جامعه و سازمان، نیازمند ارتقاء سطح کمی و کیفی خود در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و معنوی است. با توجه به نقش پررنگ دین، اعم از اعتقادات و آموزه‌های روشنگر آن در زندگی انسان و تأثیرات عمیق آن بر نگرش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای انسان، مقاله حاضر با استناد به آموزه‌های نورانی قرآن کریم و با اتخاذ روش تحلیلی - توصیفی با رویکرد اسنادی و کتابخانه‌ای، هدفش این است که در نظر دارد نقش اعتقادات و آموزه‌های دینی در توانمندسازی نیروی انسانی سازمان در حوزه خلاقیت و تعالی را با دقت مورد کاوش و واکاوی و تعمق علمی قرار دهد و به تبیین رابطه میان آموزه‌های اسلامی و اعتقادات دینی با توانمندسازی، خلاقیت و تعالی نیروی انسانی بپردازد. نتایج یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اعتقادات و آموزه‌های دینی به‌عنوان عوامل مؤثر درونی و سازنده شخصیت انسان، در توانمندسازی، تعالی و خلاقیت نیروی انسانی نقش روشن و تأثیر مستقیم و جدی

دارد و اینکه اعتقادات و آموزه‌های دینی می‌توانند به‌عنوان عوامل کلیدی درونی در رشد و شکوفایی استعدادهای ذاتی انسان و تبدیل انسان به موجود خلاق، متعالی و توانمند و ارتقاء سطح تعالی در نیروی انسانی ایفای نقش کنند.

واژگان کلیدی: نقش، اعتقادات، خلاقیت، توانمندسازی و آموزه‌های دینی.

مقدمه

دین و آموزه‌های دینی همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی بشر در طول تاریخ حیات انسانی بوده که در تمام مراحل مختلف زندگی انسان تأثیرات عمیق و غیرقابل انکار بر جنبه‌ها و ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی او گذاشته است. در عصر حاضر که سرعت تحولات و رقابت در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و سازمانی به‌شدت افزایش یافته است، توانمندسازی، خلاقیت و تعالی نیروی انسانی و در نتیجه توسعه پایدار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رکن و عنصر پیشرفت و موفقیت سازمان‌ها، نهادها و حتی جوامع بشری محسوب می‌شود. نیروی انسانی توانمند، خلاق، باانگیزه و متعهد، ستون فقرات هر ساختار پویا و پیشرو است. در این میان، اعتقادات و آموزه‌های دینی که به‌منزله یکی از اساسی‌ترین و عمیق‌ترین بعد وجودی و نظام ارزشی هر فرد و نیروی انسانی است، نقش مهم و کارکرد انکارناپذیر در شکل‌دهی به نگرش، انگیزه و در نهایت رفتار و عملکرد افراد در تمام ابعاد و شئون زندگی، از جمله محیط کار و درون سازمان، ایفاء می‌کند. این اعتقادات و آموزه‌های نورانی که از سفره بابرکت معنوی دین سرچشمه می‌گیرد، چارچوب مفهومی و علم‌یاتی را برای درک درستی از جهان، خود و جایگاه انسان فراهم می‌آورند که به‌طور مستقیم بر نحوه مواجهه فرد با چالش‌ها، فرصت‌ها و وظایف شغلی انسان تأثیر می‌گذارد.

مباحث اصلی

این مقاله در راستای دستیابی به اهداف موردنظر و تعیین‌شده، به بررسی سه بحث مهم به‌عنوان محورهای اصلی و به‌هم‌پیوسته می‌پردازد:

۱. بحث اول مفهوم شناسی

۱/۱. اعتقادات

اعتقادات جمع عقیده و معادل کلمه و واژه باور در زبان فارسی است. واژه عقیده، از مصدر «عقد» گرفته‌شده و اعتقاد نیز از ماده عقد و انعقاد به معنی استوار کردن و بستن (پیوند) است. پیوند چیزی با چیز دیگر، ممکن است واقعی و حقیقی به‌صورت مادی باشد (مانند پیوند زدن جواهر یا

شاخه درختی، به شاخه درخت دیگر) و ممکن است مجازی یا معنوی باشد (مانند ازدواج زن و مرد که به واسطه عقد ازدواج، یکی به دیگری پیوند می‌خورد) به راین پایه و مبنا، عقیده عبارت است از: چیزی که به ذهن، روح و فکر انسان گره می‌خورد. (محمدری شهری، ۱۳۸۵ ش: ج ۱، ص ۲۳) چنانکه احمد ابن محمد فیومی نیز در مورد عقیده یا اعتقادات در کتاب معروف لغت‌شناسی المصباح المنیر چنین آورده است: «عقیده» چیزی است که انسان متدین به آن شده و اعتقادی نیکو و به‌دوراز شک در آن داشته باشد. (فیومی، ۱۳۶۶: ص ۴۶۹) و نیز در کتاب المعجم الوسیط آمده است: «العقیده؛ الحكم الذی لا یقبل الشک فیہ لدی معتقده و فی الدین ما یعقد به الاعتقاد دون العمل کعقیدت وجود الله و بعثه الرّسل» عقیده حکم یا فرضی است که شک در آن عقیده، نزد معتقد به آن راه ندارد و عقیده در دین چیزی است که باور به وسیله آن شکل می‌گیرد نه عمل، مثل باور به وجود خدا و برانگیخته شدن پیامبران از جانب خداوند متعال. (انیس و دیگران، بی‌تا: ج ۱ و ۲، ص ۶۱۴)

۲/۱. نقش

نقش در لغت: با فتح نون مصدر عربی به معنی رنگ‌آمیزی کردن، شکل و صورت کسی یا چیزی را کشیدن و به تصویر درآوردن و نیز به معنی اثری که روی زمین یا چیزی باقی مانده باشد و شکل و صورتی که بر روی چیزی کشیده باشند، نقوش جمع آن است. (عمید، ۱۳۸۶ ش: ج ۲، ص ۱۹۱۵) اما معنی و مفهوم مقصود و موردنظر از کلمه نقش در اینجا و در عنوان مقاله پیشرو: (نقش اعتقادات و آموزه‌های دینی در توانمندسازی و خلاقیت نیروی انسانی با رویکرد قرآنی) همان تأثیرگذاری، اثر و کارکرد اعتقادات و آنچه انسان به آن عقیده دارد خصوصاً تعالیم و آموزه‌های دینی که معتقدات انسان مسلمان و مؤمن است، می‌باشد. (حجتی، ۱۴۰۰ ش: ص ۸۴) بنابراین می‌توان گفت در ادبیات متعارف مراد از نقش اعتقادات و آموزه‌های دینی در توانمندسازی و خلاقیت نیروی انسانی الگو و آرمانی است که اعتقادات و آموزه‌های دینی در جمع نیروی انسانی آشکار می‌سازد.

۳/۱. توانمندسازی

توانمندسازی واژه‌ای است که در علوم انسانی از آن بسیار استفاده شده است ولی توافقی بر تعریف واحد و جامع علمی از توانمندسازی حاصل نشده است. پارکر و پرایس در سال ۱۹۹۴ م، توانمندسازی را به عنوان ادراک تعریف می‌کنند. بارک (۱۹۸۶) و کانتر (۱۹۷۷) توانمندسازی را انتقال قدرت و اختیار تعریف می‌کنند. بلاو و آلبا (۱۹۸۲) هاردی و سولیوان (۱۹۹۹) توانمندسازی

را سهیم کردن افراد به منابع و اطلاعات تعریف می‌کنند. (رابنز، ۲۰۰۲ م: ۲۲۲) توانمندسازی که معادل لاتین آن (امپاورمنت)^۱ است، مطابق برخی تعریف‌ها به معنی توانا ساختن، قادر ساختن، خوداتکایی، تواناسازی، توانمندسازی و... به‌کاربرده شده که در بین این‌ها اصطلاح توانمندسازی نسبت به دیگر واژه‌ها برای ترجمه کلمه (امپاورمنت)^۲ رواج بیشتری پیدا کرده است. (بوزجانی، ۱۳۸۵ ش: ص ۱۲) با بررسی مفهوم توانمندسازی و معنایی برای آن، به این مطلب پی می‌بریم که برای توانمندسازی تعاریف و مفاهیم زیاد و مختلفی از جانب محققان و پژوهشگران ذکر شده است که در ذیل به چند تعریف مناسب و نسبتاً کامل‌تر توانمندسازی اشاره و پرداخته می‌شود: (حجتی، ۱۴۰۰ ش: ص ۱۱۱)

۱. توانمندسازی، فرایند پیوسته‌ای است که بر اساس آن افراد از نوعی خود اعتمادی برخوردار می‌شوند و قادر به ارزیابی درست و صحیح و شناخت واقعی خویش خواهند شد و از توانایی‌ها و قابلیت‌ها، برای رسیدن به هدف‌های خودآگاه شده و می‌توانند با افزایش توانمندی خود به هدف‌های موردنظر دست یابند. (بوزجانی، ۱۳۸۵ ش: ص ۷۶)

۲. توانمندسازی، فرایندی است که منابع انسانی از راه آن، از نیازها و خواسته‌های خودآگاه شده، نوعی اعتمادبه‌نفس و خوداتکایی را برای برطرف کردن آن نیازها به دست می‌آورند و بر اساس آن از توانایی لازم برای تحقق هدف‌های خود برخوردار می‌شوند. (مهرابی، ۱۳۹۳ ش: ص ۷)

۳. توانمندسازی فرایند قدرت بخشیدن به افراد است. در این فرایند به کارکنان خود کمک می‌کنیم تا حس اعتمادبه‌نفس خویش را بهبود بخشند و بر احساس ناتوانی و درماندگی خود چیره شوند. توانمندسازی در این معنا به بسیج انگیزه‌های درونی افراد می‌انجامد. (وتن و کامرون، ۱۳۸۳ ش: ص ۱۹۳)

۴. توانمندسازی عبارت است از تقویت عقاید افراد و ایجاد اعتمادبه‌نفس در آن‌ها نسبت به خودشان و تلاش در جهت اثربخشی فعالیت‌های سازمان. درواقع توانمندسازی

^۱ Empowerment

^۲ Empowerment

فرایند تغییر عقاید درونی افراد است و القای حس قدرت و توانایی به افراد است. در تعریف دیگر توانمندسازی را به‌عنوان توانا ساختن و به معنای ایجاد شرایط لازم برای بهبود انگیزش افراد در انجام وظایف خویش، از طریق پرورش احساس کفایت نفس تعریف نموده است. (گوردن جودیت، ۱۹۹۱ م) که در میان تعاریفی که بیان شد تعریف چهارم تعریف برگزیده برای توانمندسازی در پژوهش حاضر می‌باشد.

۴/۱. خلاقیت

واژه خلاقیت در علوم انسانی که ترجمه واژه لاتین creativity است. (ژاویی، ۱۳۸۶ ش: صص ۸۹ و ۹۰) یک واژه عربی و مصدر جعلی و اسم مصدر است که از ریشه خلق به معنای خلق کردن، آفریدن و به وجود آوردن، می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۳: ماده خلاقیت) خلاقیت در فارسی به معنای ابداع، نوآوری، ایجاد و آفرینندگی به کار می‌رود و به‌نوعی خود شکوفایی است که در انسان‌ها به وجود می‌آید. (مردان پور، ۱۳۸۷: ص ۱۹) برخی از محققان مانند گیل فورد خلاقیت را تفکر واگرا در حل مسئله می‌داند و به نظر او تفکر واگرا، تفکری است که در جهات مختلف سیر می‌کند. (منطقی، ۱۳۹۰ ش: ص ۲۲) برخی خلاقیت را با توجه به محصول تعریف می‌کنند مانند اینکه گفته‌اند: خلاقیت عبارت است از شکل دادن و ارائه ایده جدید و مفید توسط فرد یا گروه کوچکی از افراد که باهم کار می‌کنند و یا خلاقیت شکل گرفتن ایده یا محصولی تلقی می‌شود که هم نو و هم مناسب (صحیح، مفید، باارزش) باشد. (سلطانی، ۱۳۷۸ ش: ص ۴۹) به‌طور کلی خلاقیت را می‌توان به‌عنوان توانایی تولید ایده‌ها، راه‌حل‌ها، محصولات یا رویکردهای جدید و ارزشمند تعریف کرد. این تعریف شامل جنبه‌های مختلفی است از قبیل نوآوری (Novelty): آنچه خلق می‌شود باید جدید و بدیع باشد، نه صرفاً تکرار آنچه قبلاً وجود داشته است. ارزشمندی (Value): این ایده‌ها یا محصولات باید مفید، کاربردی، زیبا یا به نحوی ارزشمند باشند، چه از دیدگاه فردی و چه از دیدگاه اجتماعی. فرایند (Process): خلاقیت یک فرایند شناختی است که شامل تفکر واگرا (تولید ایده‌های متعدد)، تفکر همگرا (انتخاب و پالایش بهترین ایده‌ها)، تخیل، بصیرت و توانایی برقراری ارتباط میان مفاهیم نامرتبط است. محصول (Product): خلاقیت درنهایت به یک محصول ملموس یا ناملموس منجر می‌شود؛ مانند یک اختراع، یک اثر هنری، یک راه‌حل علمی، یک استراتژی کسب‌وکار یا یک ایده فلسفی. با توجه به تعاریف پیش‌گفته لغوی و اصطلاحی خلاقیت، در یک

جمع‌بندی اجمالی، تعریف مفهومی^۱ خلاقیت را می‌توان تعریف ذیل در نظر گرفت: خلاقیت فرایندی است که در نتیجه آن یک اثر جدید، اعم از ایده یا چیز نو و متفاوتی تولید می‌شود که برای افراد و جوامع ارزشمند است. این محصول که در عین تازگی، غیرمرسوم است، از نیروی انگیزشی قابل توجهی برخوردار بوده است. تولید اخیر ممکن است کلامی یا غیرکلامی، عینی و یا ذهنی باشد. (منطقی، ۱۳۹۰ ش: ص ۲۵) خلاقیت دیگر گونی‌های گسترده و جهشی در اندیشه و فکر بشر است به‌طوری‌که حائز یک توانایی در ترکیب عوامل قبلی به روش‌های جدید باشد. خلاقیت به‌عنوان یک نیاز عالی‌ه بشری در تمام ابعاد زندگی او مطرح است. (تیمور آقایی فیشانی، ۱۳۷۷ ش: ص ۱۶) و همواره خلاقیت و نوآوری لازمه و پیش‌درآمد توسعه و پیشرفت و تعالی یک سازمان و جامعه است و آگاهی از ماهیت، تعاریف، نظریه‌ها، ابعاد، انواع، کارکردها و فرایندهای آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای مدیران - کارکنان و پژوهشگران علاقه‌مند است. (حجتی، ۱۳۹۷ ش: صص ۱۷-۲۰)

۱/۵. تعالی

تعالی مصدر عربی در لغت به معنی بلند شدن، برآمدن و ارتفاع است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ماده تعالی) برتر شدن، بلند شدن، بلندپایه شدن، (عمید، ۱۳۸۶ ش: ج ۲، ص ۱۴۵۶) از معانی دیگر تعالی است. منظور از تعالی انسان، سربلندی و ترفیع رتبه انسان و به معنای رسیدن به بالاترین سطح رشد، شکوفایی، کمال و اوج عملکرد در ابعاد مختلف فردی و معنوی است. این مفهوم فراتر از صرف موفقیت مادی یا کسب مهارت‌های خاص است و به جنبه‌های عمیق‌تر وجودی انسان می‌پردازد؛ که شامل: خودشکوفایی (Self-actualization) یعنی تحقق کامل ظرفیت و پتانسیل‌های بالقوه فرد، رسیدن به بالاترین سطح رشد شخصیت و تحقق خویشستن. رشد معنوی (Spiritual Growth) یعنی کمال ارتباط با خالق، درک عمیق‌تر معنای زندگی و زیستن بر اساس ارزش‌های متعالی. کمال اخلاقی (Moral Perfection) پایبندی به فضایل اخلاقی، تزکیه نفس و زیستن و تلاش کردن در راستای رضایت خداوند. عملکرد بهینه (Optimal Functioning) یعنی توانایی مدیریت مؤثر چالش‌های زندگی، داشتن روابط سالم، احساس رضایت و معنا و مشارکت سازنده در جامعه که نتیجه همه این‌ها ارتقاء کیفیت زندگی، بهبود مستمر آن در تمام ابعاد مادی، روانی، معنوی و اجتماعی و در نهایت توانایی و توانمندی است.

^۱. Conceptual definition

۶/۱. آموزه‌های دینی

آموزه‌ها و تعالیم دینی، مجموعه معارفی است که بیانگر تمامی برنامه‌ها و دستورات و آموزه‌های دینی هست؛ که در یک دسته‌بندی کلی به سه دسته مهم تقسیم می‌گردد. برنامه‌های اعتقادی، دستورات عملی، مسائل و گزاره‌های اخلاقی؛ یعنی آموزه‌ها و معارف دینی یا در راستایی سالم‌سازی فکری انسان بوده و تکلیف اندیشه و تفکر انسان را مشخص و روشن می‌کند و باید‌ها و نباید‌های ذهنی و فکری انسان را تبیین و تعیین می‌نماید که به آن برنامه‌های اعتقادی گفته می‌شود. یا احکام و برنامه‌های است که به اعمال و رفتار انسان ارتباط دارد که به این دسته و قسم دوم؛ احکام و دستورات عملی آموزه‌های دینی گفته می‌شود؛ اما اگر آموزه‌های دینی مربوط به پرورش روح، سلامت روانی و معنوی انسان باشد، آموزه‌های است که در دسته تعالیم اخلاقی دین قرار می‌گیرد. (نبوی، ۱۳۹۳ ش: ص ۴۵) بنابراین آموزه‌ها یا تعالیم دینی به مجموعه‌ای از اصول، عقاید، احکام و اخلاقیات گفته می‌شود که در یک دین خاص وجود دارد و بیان‌شده است و به پیروان آن دین خاص ارائه می‌گردد. تا به عنوان تابلوهای راهنمایی در زندگی و دستیابی به رستگاری به کار گرفته شوند. این تعالیم و آموزه‌ها معمولاً در متون مقدس دین یا سنت‌های دینی بیان‌شده و توسط دانشمندان دانش دینی و علمای دینی تفسیر و تبیین می‌شوند. یادآوری می‌شود تنها دینی که دارای آموزه‌های کامل، نجات‌بخش و پذیرفته‌شده می‌باشد و کتاب مقدس آن از هرگونه تحریف، کجی و دستبرد بشری مصون مانده و عین کلام الهی و وحی آسمانی است دین مبین اسلام است.

۲. بحث دوم: اعتقادات و آموزه‌های دینی

اعتقاد و آموزه‌های دینی با ایجاد انگیزه درونی، تقویت اراده، ترویج تفکر عمیق و جستجوگر و ارائه چارچوبی اخلاقی و معنایی، زمینه‌ساز خلاقیت، تعالی و در نتیجه باعث توانمندی در انسان می‌شوند. ایمان و اعتقاد به خداوند، انسان را به تلاش و نوآوری تشویق می‌کند و او را در راستایی اهداف الهی هدایت کرده و از این طریق او را توانمند می‌کند. اعتقاد و ایمان به معاد، حساب و کتاب و روز پاداش و جزاء مسئولیت‌پذیری فرد را در قبال اعمال و تلاش‌هایش افزایش می‌دهد و به او در مواجهه با چالش‌ها و شکست‌ها، امید، پشت‌کار، تحمل، بردباری و استقامت می‌بخشد. آموزه‌های دینی قرآنی، انسان را به تفکر در آفرینش، تدبیر در آیات الهی و جستجوی علم و دانش، دعوت می‌کنند که این خود، بستر ساز رشد، تقویت و شکوفایی خلاقیت و تعالی و در نتیجه توانمندسازی انسان است؛ و همچنین، چارچوب اخلاقی و ارزشی دین، خلاقیت و تعالی دینی را در مسیر سازنده و در جهت صلاح و خیر بشر هدایت می‌کند و از انحراف آن جلوگیری می‌نماید و به این شکل او را

توانمند در طی کردن مسیر و ترقی نموده و درنهایت باورها و اعتقاد دینی با ایجاد آرامش روانی، کاهش اضطراب و تقویت خود باروری و اعتماد به نفس، به انسان کمک می‌کنند تا به سطوح بالاتر از شکوفایی، خلاقیت و توانمندی دست یابد. (حجتی، ۱۴۰۲ ش: ص ۱۲۵)

۱/۲. حقیقت و چیستی ایمان و اعتقادات دینی

ایمان و اعتقادات دینی یکی از مهم‌ترین مقوله‌های دینی و اساس سعادت بشری به شمار می‌آید. بی‌شک، شناخت ماهیت و چیستی آن، به‌عنوان شناخت ماهیت امری که از نظرگاهی دینی، تحقق آن یا لااقل سعی درراه تحقق آن جدا مطلوب است، اهمیت و ضرورت دارد. (داعی نژاد، ۱۳۸۵ ش: ص ۱۵) همان‌طوری که در بحث اول در تعریف اعتقاد اجمالاً اشاره شد: درباره «ایمان و اعتقاد» که معادل عربی کلمه: «باور» و معادل کلمه لاتین: «Belief» است؛ می‌توان گفت: مفهوم و ماهیت اعتقاد، به معنی عقیده و باور قلبی، (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ ق: ج ۱، ص ۵۶۵) عبارت است از اذعان قلبی، علم و یقین جازم، ([www: bavaryar.com](http://www.bavaryar.com)) که جایگاهش باطن و درون آدمی است و در حقیقت ایمان و اعتقاد حالتی است قلبی (درونی) و روانی که در اثر دانستن یک مفهوم و گرایش به آن، حاصل می‌شود و با شدت و ضعف هریک از این دو عامل (بینش و گرایش)، کمال و نقص می‌پذیرد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۴۴) پس حقیقت ایمان یک حالت قلبی است که با آگاهی و گرایش برای انسان به وجود می‌آید؛ بنابراین برای تحقق ایمان، علم و آگاهی به‌تنهایی کافی نیست، گرایش هرچند اندک هم لازم و ضروری است. (نبوی، ۱۳۹۳ ش: ص ۵۵۰) سید مرتضی و شیخ طوسی رحمت‌الله علیهما نیز در تعریف چیستی ایمان، عقیده و باور؛ باور قلبی و تصدیق را کافی دانسته است. سید مرتضی می‌نویسد: ایمان تصدیق قلبی است یعنی اگر کسی به خدا و به آنچه خداوند معرفت آن را لازم کرده است تصدیق کند، مؤمن است و نیازی به معرفت زبانی نیست. (الشریف المرتضی، علم الهدی، ۱۴۳۱ ق: ص ۵۳۶) شیخ طوسی نیز درباره ماهیت و چیستی اعتقاد و ایمان می‌گوید: ایمان فقط تصدیق قلبی است و معرفت خداوند و اذعان نفسانی است به آنچه خداوند اقرار و اذعان به آن‌ها را لازم کرده است و اقرار لسانی لازم نیست. (شیخ طوسی، بی‌تا: ص ۲۲۷) در ادامه آورده است: خاستگاه آن (ایمان، اعتقاد و باور دینی) راه یافتن یا گرایش درونی به يك مفهوم و معنی است که قوام و دوامشان - برخلاف علم - به میل قلبی و اختیار و به‌نوعی «عمل قلبی اختیاری» است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵ ش: ص ۱۴۶) با بررسی و دقت در کلمات سه-گانه: (ایمان، اعتقاد و باور) که از نظر مفهومی بسیار نزدیک به هم و تقریباً مترادف هستند، در مورد چیستی و ماهیت ایمان و اعتقاد پی می‌بریم که منشأ و مبنای ایمان، اعتقاد و باور معرفت قلبی و گرایش درونی بوده و خاستگاهشان، کشش و میل باطنی و درونی و لازمه آنان عمل صالح و انجام

رفتارهای درست و پسندیده می‌باشد.^۱ با توجه به تعاریف اعتقاد، ایمان و باور و اینکه این کلمات تقریباً مترادف و از نظر مفهومی یکسان و نزدیک به هم است و کاربری آن‌ها در اصطلاح دینی، کلامی، فلسفی و عامیانه مشابه هم می‌باشد. چنانچه ایمان و باور در اصطلاح دینی، گرایش‌های درونی انسان را گویند که معنوی و فوق حیوانی است و بر پایه و مایه اعتقاد و اندیشه و فکر استوار است. (مطهری، ۱۳۹۳ ش: ص ۱۱) و در اصطلاح عام به معنای آن است که اعتقاد آدمی در دل او جای گیرد و در آن شك و تردید روا ندارد و از گذر آن به نوعی امنیت و آرامش درونی برسد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ص ۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱، ص ۴۵) در اصطلاح کلامی و عرفانی نیز به معنی گرویدن، تصدیق کردن و وثوق و اطمینان و حالتی است که مقابل کفر است و به معنی خضوع و انقیاد و تصدیق مطلق و ثبات و فضیلت نیز آمده است. (سجادی، ۱۳۷۳ ش: ج ۱، ص ۳۶۵) و از نظر فلاسفه نیز به معنی نگرش و حالت نسبت به گزاره است. با دقت و عنایت به همه این مطالب، آنچه مشخص است و دیدگاه منتخب در این تحقیق نیز است، اینکه: ماهیت و چیستی ایمان، اعتقاد و باور چیزی است که فراتر و خیلی عمیق‌تر از علم و آگاهی است؛ بنابراین ماهیت ایمان و اعتقاد از سنخ دانستن توأم با گرایش درونی است که فقط آگاهی و دانش و دانستن صرف نیست، بلکه دانش و آگاهی توأم با گرایش و میل باطنی است که از درون انسان ناشی گشته و منشأ درونی و روانی دارد و مرحله‌ای از معرفت و گرایش باطنی است که در جان آدمی رسوخ می‌کند و اعتقاد و میل قلبی آدمی را شکل می‌دهد. (پیروز و دیگران، ۱۳۸۵ ش: ص ۳۲۴) به بیان دیگر در یک تعریف ساده و رسا «ایمان، اعتقاد و بارو، اندیشه‌هایی هستند که در حاق نفس آدمی جای دارد و فرد به درستی و حقانیت آن‌ها اعتقاد دارد. در مفهوم وسیع‌تر، ایمان، اعتقاد و باورها دربرگیرنده شناخت یا دانسته‌ها، عقاید یا آئینی است که شکل‌دهنده بینش، گرایش و درنهایت رفتار آدمی و جهت‌دهنده و تعیین‌کننده تصمیم‌ها و کنش‌های فرد بوده و در حقیقت یکسری تفکرات اثرگذار و نیرومند و پرتوانی هستند که به زندگی انسان‌ها معنا می‌بخشند و راهنمای آنان در تنگناها و مشکلات می‌شوند و ادراک آنان از هستی و جهان را می‌سازند. (www: bavaryar.com) بنابراین از انضمام دانش با گرایش، ایمان، اعتقاد و باور حاصل می‌شود و قوام ایمان نیز به همین گرایش قلبی و درونی است؛ اما از نقش علم و معرفت نیز در انعقاد ایمان نباید غافل شد؛ زیرا به فرمایش مولای متقیان امام علی (ع) که

^۱. برای توضیح بیشتر این بحث (رابطه معرفت با ایمان و باور و نیز رابطه عمل با ایمان و باور) محققین ارجمند می‌توانند به نظرات شیخ طوسی، شیخ مفید، خواجه نصیر الدین طوسی و دیگر بزرگان به منابع کلامی مراجعه نمایند.

فرمود: **أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِّيقُ بِهِ**، (نهج البلاغه، ۱۳۸۷ ش: خ ۱: ص ۲۰) یعنی سرلوحه دین، اعتقاد و ایمان، شناختن خداوند متعال و درست شناختن او، باور داشتن و اعتقاد به اوست. اولین قدم در راه باورمندی و ایمان درست، معرفت و دانستن است و ایمان منهای علم، معرفت و ادراک امکان ندارد و اگر هم امکان داشته باشد، سست، متزلزل و ناپایدار خواهد بود. نکته دیگر که لازم است به آن توجه گردد اینکه: منظور از ایمان، اعتقاد و باور دینی، اعتقاد به گزاره‌های دین مبین اسلام، اعتقاد و باورهای اسلامی است یعنی باورهای که از اعتقاد و ایمان به گزاره‌های دین کامل و جامع اسلام در انسان مسلمان پدید آمده است؛ و همین‌طور باید خاطرنشان کرد که مراد از ایمان، اعتقاد و باور، صرف ادعا، اعتقاد و باور و صرف اطلاع داشتن از یک آموزه‌ی دینی و اسلامی نیست. بلکه مقصود از اعتقاد، ایمان و باور در این تحقیق جازم بودن و راسخ بودن شخص نسبت به اعتقاد و باورهاست و مراد از فرد معتقد، باورمند و متدین کسی است که علاوه بر معترف بودن زبانی به آموزه‌های دینی، حرف‌هایی که به زبان او جاری است در قلب او هم رسوخ کرده و نشسته باشد و کاملاً باورمندی به گزاره‌های دین اسلام، در آن فرد درونی شده باشد، در این صورت و در این وقت است که می‌توانیم بگوییم: ایمان، اعتقادات و باورهای دینی نقشی در توانمندسازی و خلاقیت نیروی انسانی دارد و می‌تواند با ایجاد و تقویت خلاقیت در نیروی انسانی او را توانمند و قادر در کارها نماید. (حجتی، ۱۳۹۷ ش: ص ۱۹۵) یعنی باید گفت: عنصر انگیزشی به‌عنوان مؤلفه مهم باورها و اعتقاد در اسلام، پیوند محکمی با بینش و معرفت که از ارکان اصلی ایمان و باورها است، دارد؛ یعنی هرچه بینش فرد در توحید الهی و خداباوری یکپارچگی بیشتری می‌یابد، بر نفوذ و شدت انگیزه در جریان امور زندگی نیز افزوده می‌شود. (رمضانی، ۱۳۸۸ ش: ص ۴۵)

۲/۲. ماهیت و ابعاد آموزه‌های دینی

همان‌طور که اشاره شد تعالیم و آموزه‌های دینی مجموعه‌ای از اصول، عقاید، احکام، اخلاق، قوانین، باورها، ارزش‌ها، آداب، دستورات و فرمان‌های هستند که از طریق یک سنت مذهبی خاص به پیروانش منتقل می‌شوند. این آموزه‌ها چارچوبی برای فهم و درک جهان هستی، هستی‌ها و نیست‌ها (تحت عنوان جهان‌بینی) دستورالعمل‌های زندگی بایدها و نبایدها (تحت عنوان ایدئولوژی) و فهم جایگاه انسان در آن و فرجام انسان است که به‌طورکلی نقشه راه برای راهنمایی انسان در زندگی دوجہانی انسان، سلامت اخلاقی و معنوی و تعیین‌کننده مسیر رسیدن به کمال نهایی را فراهم می‌کنند. ازاین‌جهت ضرورت وجود دین - و آموزه‌های دینی - از آنگاه‌که اولین آدم پای به عرصه طبیعت می‌گذارد تا آنگاه‌که آخرین آن‌ها از طبیعت رخت برمی‌بندد ثابت و برقرار است. (جوادی - آملی، ۱۳۸۴ ش: ص ۱۲۹) و همچنین اهمیت آموزه‌های دینی در تأثیر عمیق آن‌ها بر جنبه‌های فردی

و اجتماعی زندگی انسان‌هاست که سرنوشت انسان‌ها را رقم می‌زند و مشخص می‌کند. برای شناخت ماهیت و چیستی دقیق و مستند تعالیم و آموزه‌های دینی، می‌توانیم به چند بُعد اصلی پیردازیم و برای هر کدام مستندات مختصری را ارائه دهیم.

۱. بُعد جهان‌بینی و اعتقادات: این بخش شامل باورهای بنیادین درباره خدا یا حقیقت مطلق، آفرینش، هستی، معاد (زندگی پس از مرگ)، نبوت و امامت (در ادیان الهی) که با عنوان اصول دین نام‌گذاری شده است. برای این بعدی از آموزه‌های دینی مستندات قرآنی فراوانی در قرآن کریم وجود دارد، به عنوان نمونه: آیاتی نظیر “اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ” (بقره: ۲۵۵) برای توحید، “إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ” (قمر: ۴۹) برای آفرینش و “إِنَّا إِلَيْنَا يَأْتِبُهُمُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ” (غاشیه: ۲۵-۲۶) برای معاد و آیات فراوان زیادی دیگری وجود دارد که مجال ذکر آن‌ها در اینجا نیست.

۲. بُعد اخلاقی و ارزشی: این بخش از آموزه‌های دینی شامل اصول راهنمای رفتار فردی و اجتماعی، فضایل انسانی مانند صداقت، عدالت، رحمت، نیکوکاری و کسب دیگر فضایل اخلاقی و پرهیز از رذایل اخلاقی و زشتی‌هاست و ... است. این بعد هم دارای مستندات فراوان و متعددی در قرآن کریم است، به عنوان نمونه آیه: “إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ” (نحل: ۹۰) یکی از مستندات بعد اخلاقی و ارزشی آموزه‌های دینی است که بر عدالت، احسان، صله رحم و دوری از فحشا و رذایل اخلاقی و تجاوزگری تأکید تأکید دارد. یا حدیث نبوی معروف که فرموده: انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق (من برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام) که هدف اصلی رسالت پیامبر خدا (ص) را اخلاق معرفی می‌کند. (طبرسی، ۱۴۰۶ ق، ۱۹۸۶ م: ص ۵۰۰)

۳. بُعد عبادی و مناسکی: این بخش شامل اعمال و مناسکی است که برای ارتباط با خدا یا نیروی متعالی و ابراز بندگی، خشوع و خلوص نیت انجام می‌شود، مانند نماز، روزه، حج و دیگر فروعات دینی، دعا، مناجات، نیایش و ... که بیانگر بعد عبادی و مناسکی آموزه‌های دینی است. مستندات بعد عبادی تعالیم دینی هم فراوان و بسیار زیاد است. به عنوان نمونه در قرآن کریم فرموده: “وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ” (بقره: ۴۳) که بر اقامه نماز و پرداخت زکات و رکوع با راکعین تأکید دارد.

۴. بُعد فقهی و حقوقی (در برخی ادیان الهی) از جمله در دین مبین اسلام: این بخش شامل قوانین و احکام عملی برای تنظیم زندگی فردی و اجتماعی، معاملات، خانواده و جزئیات دیگر برای تنظیم مقررات زندگی فردی و اجتماعی برای زندگی دنیوی و سعادت اخروی است که این بعد نیز همانند ابعاد قبلی از مستندات کافی و وافی برخوردار می‌باشد. از جمله آیات فراوان قرآن کریم و

سنت اسلامی که شامل احکام ارث، ازدواج، طلاق، حدود و دیات و ... می‌گردد، در قرآن کریم و کتب روایی موجود است.

۵. بُعد تاریخی و روایی: این بخش شامل داستان‌ها، حکایات و تاریخ انبیا، قدیسین و بزرگان دینی که الگوهای عملی برای پیروان دین ارائه می‌دهند و مفاهیم دینی را در شکل و قالب روایت‌های ملموس و روشن منتقل می‌کنند که این بعد نیز دارای مستنداتی از قبیل قصص الانبیاء در قرآن کریم همانند: داستان حضرت آدم، حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت یوسف، حضرت موسی و دیگر پیامبران (علیهم‌السلام)، سیره نبوی پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام و نیز روایت زندگی و عمل پیامبر اسلام و جانی‌شان برحق آن حضرت می‌باشد؛ که در منابع اسلامی فراوان وجود دارد. در یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از ماهیت و ابعاد آموزه‌های دینی می‌توان گفت: آموزه‌های دینی یک سیستم جامع و یکپارچه هستند که هم به ابعاد درونی و معنوی و حیات اخروی انسان می‌پردازند و هم به سازمان‌دهی زندگی بیرونی و اجتماعی و دنیایی او کمک می‌کنند. به بیان دیگر: مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴ ش: ص ۱۱۱) مستندات این آموزه‌ها نه تنها در کتب مقدس ادیان مانند قرآن کریم یافت می‌شوند، بلکه در سنت‌های پیامبران از جمله پیامبر گرامی اسلام (ص) و دیگر پیشوایان ادیان که به صورت کتبی و حتی به صورت شفاهی نقل شده، تفاسیر بزرگان دین و ... که در تاریخ و فرهنگ پیروان ادیان و ملت‌ها نیز ریشه دارند. تنوع مستندات نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی، پدیده‌هایی چندوجهی هستند که از منابع مختلفی تغذیه می‌شوند و به طرق گوناگون بر زندگی انسان تأثیر می‌گذارند. این آموزه‌ها نه تنها راهی برای رسیدن به رستگاری معنوی ارائه می‌دهند، بلکه به عنوان راهنمایی برای ساختن جامعه‌ای عادلانه و انسانی نیز عمل می‌کنند. هر دین، با توجه به آموزه‌های خاص خود، در پی پاسخگویی به پرسش‌های اساسی وجودی انسان و ارائه معنا به زندگی انسان است.

۳. بحث سوم: آموزه‌های مؤثر در خلاقیت، توانمندسازی و نتیجه‌گیری

۳/۱. آموزه‌های مؤثر در توانمندسازی، خلاقیت و تعالی

مؤمن از نگاه اسلام، در حال تلاش و فعالیت برای رسیدن به مقصدی است که خدای تعالی از خلقت انسان اراده کرده است. هدف مذکور در ادبیات دینی، گاه هدایت و رشد و گاه قرب و رضوان الهی و گاه طهارت و حیات طیبه، تقوا و عبادت و عبودیت معرفی شده است. (باقری، ۱۳۷۰ ش: صص ۵۹-۶۴) رسیدن به این هدف آرمانی، تجلی دهنده رشد و کمال در انسان است و خیلی برتر

و بنیادی‌تر از دیگر مقاصد بشری و در بالاترین نقطه‌ی هرم خواسته‌ها و مقاصد انسان خودشکופا و کامل است. چنانچه روان‌شناسان انسان‌گرا مانند مزلو و راجرز، نیز مطابق یافته‌های تجربی، انسان سالم و خودشکופا و توانمند را فردی معرفی می‌کنند که توانسته باشد در حد لازم نیازهای پایه خود را ارضاء کرده و به دنبال نیازهای تکاملی خود باشد که در این حالت احتمال رسیدن چنین فردی را به خلاقیت و تعالی درونی زیاد می‌دانند. این محققان رسیدن به خود شکوفایی، خلاقیت و تعالی درونی را در بالاترین مرحله و پس از ارضایی نیازهای زیستی و وجودی تصویر می‌کنند؛ بنابراین رابطه این گرایش و باورمندی به کمال‌گرایی با بحث خلاقیت و توانمندی می‌تواند دوطرفه باشد، به این معنی که استعداد خلاقیت می‌تواند وسیله‌ی برای رسیدن به درجات بالای کمال و توانمندی باشد و از طرف دیگر، پیمودن نردبان کمال نیز باروری و نوآوری در انسان را تقویت می‌کند. (علی گلی و ساجدی، ۱۳۹۴ ش: ص ۱۲۲) به دلیل اینکه کمال‌گرایی مثبت که خصیصه‌هایی مانند عزم و اراده قوی بر انجام دادن کار، استقلال، اعتمادبه‌نفس، کامل انجام دادن کار و استقامت همراه با آن هستند، از پیش‌بینی‌کننده‌های قوی خلاقیت و توانمندی است. (سادات و دیگران، ۱۳۸۷ ش: ص ۵۶) و به‌طور مؤثر و جدی در بروز، ظهور و تقویت خلاقیت، توانمندی و تعالی افراد و نیروی انسانی نقش دارد؛ زیرا تعالیم، آموزه‌ها و باورهای مربوط به کمال‌گرایی انسان که در ادامه به تعدادی از آن‌ها پرداخته می‌شود، همان‌گونه که اجمالاً اشاره شد، در فراهم‌سازی زمینه‌های ایجاد خلاقیت، تعالی و توانمندی در وجود انسان‌های کمال‌گرا و خودشکופا به‌عنوان عوامل و محرک‌های توانمند عمل می‌کند و ایفای نقش می‌نماید.

۱/۳. آموزه بصیرت و خودشناسی

در اسلام مسئله خودشناسی و بصیرت نفس از اهمیت و جایگاه خاص و ویژه برخوردار است که در تعالی درونی، خلاقیت و توانمندی انسان نقش دارد. از موضوعات مهم و غیرقابل انکار که قرآن مجید و منابع اسلامی به آن توجه ویژه نموده مسئله بصیرت و «خودشناسی» است. چراکه تا انسان گوهر وجودی خویش را نشناسد شناخت کاملی از پروردگار و هدف از آفرینش خود را نخواهد داشت و انسانی که خدا و خود و هدف از خلقت خود را نشناسد نه‌تنها خلاقیت در زندگی و فعالیت‌هایش و تعالی درونی در حرکتش وجود ندارد که احساسی جز پوچی و سردرگمی نخواهد داشت؛ اما اگر گوهر وجودی خود را شناخت، در حقیقت مسیر و راهی فراسوی او برای شناخت خداوند گشوده می‌شود و در پرتو شناخت خود و خدا قدم در مسیر تعالی و تکامل قرار خواهد داد و زندگی برای او معنا و مفهوم خاصی خواهد داشت؛ و ذهن خلاقانه و افکار تازه‌اش شکופا خواهد شد. در نتیجه با داشتن ذهن خلاق و افکار تازه و شخصیت شکופا شده به توانمندی هم‌دست خواهد

یافت. به همین دلیل است که بصیرت و خودشناسی از ضرورت و اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ و در این راستا دین مبین اسلام سفارشات فراوانی دارد که مسلمانان را به بصیرت نفس و خودشناسی دعوت می‌نماید. تأکیدات اسلام بر بصیرت نفس و خودشناسی به‌گونه‌ای است که بصیرت نفس و خودشناسی را، ازجمله آموزه‌های مهم اسلامی قرار داده است که در خلاقیت، تعالی و توانمندی انسان نقش دارد. بیانات معصومین (ع) و فرمایشات قرآن کریم در این مورد متنوع و گوناگون است که برای رعایت اختصار به یکی دو مورد اکتفا می‌گردد. در یکجا خداوند در قرآن کریم انسان‌ها را به شناخت نفس و دقت در آن، فرامی‌خواند و می‌فرماید: وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ^۱ در وجود شما (نیز آیاتی است) آیا نمی‌بینید. در جای دیگر می‌فرماید: سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهَ الْحَقُّ^۲ به‌زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و درون جانشان به آنان نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است. در یکی از فرمایشات معصومین (ع)، نیز آمده است: کسی خود را بشناسد خدای خود را شناخته است.^۳ به‌بیان دیگر خودشناسی و بصیرت نفس مقدمه‌ای برای خداشناسی و اتصال به مبدأ لایزال هستی دانسته شده و تجلی دهنده صفات خداوند خلاق و مبدع و آفرینش‌گر در وجود انسان معرفی گردیده است؛ که از توجه و عنایت به این کلام نورانی و دیگر سفارش‌های اکید دین اسلام در مورد بصیرت و خودشناسی و ضرورت آن برای هر انسان کمال‌جو و ارزشمند بودن بصیرت و معرفت نفس از یک‌طرف و از طرف دیگر توجه به این نکته که در مجموعه آفریده‌های الهی، انسان با برخورداری از روح الهی به‌عنوان ظرف مهم معرفت و خودشناسی جایگاه ویژه‌ای به دست آورده است که هیچ متاع دنیوی ارزش برابری با آن را ندارد و درواقع همه عالم هزینه شده تا این مقام، موقعیت و جایگاه برای انسان حفظ و تداوم یابد (کاظمی، ۱۳۸۱ ش: ص ۱۰۵) به کمال، خود شکوفایی، تعالی و درنهایت توانمندی کامل دست یابد. این اعتقاد و باور در انسان مؤمن به وجود می‌آید که بصیرت و خودشناسی از بنیادی‌ترین وسایل رشد و تکامل انسان و از اهمیت بالا و ارزشمندی بسیار زیادی برخوردار است که با شکل‌گیری این باور و حرکت انسان آبرومند به‌سوی خودشناسی و بصیرت نفس؛ روشن‌بینی و صفای درونی در فرد ایجاد می‌شود و باعث می‌گردد انسان بصیر، خودشکופا، خلاق، با ذهن روشن و فکر تازه و ایده پرداز،

^۱. ذاریات/۲۱.

^۲. فصلت/۵۳.

^۳. من عرف نفسه فقد عرف ربه. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۴۵۲.

متنبه و هوشیار و بیدار گردد و به این صورت به توانمندی بالادست یابد. بر این اساس بر تمام انسان-های کمال طلب، لازم است که بصیرت و خودشناسی داشته باشد و در راه شناخت و معرفت نفس خود کوشا باشد و حداقل خود انسان نباید جاهلانه به زیان خود عمل کند و این موقعیت و جایگاه برتر خلیفه الهی را که با عنوان اشرف مخلوقات، خداوند برای انسان‌ها در نظر گرفته است، به فراموشی بسپارد. بلکه برای توانمند شدن، خود شکوفایی و بروز و ظهور استعدادها و توانایی‌های از جمله توانایی‌های خلاقانه‌اش، خودشناسی، بصیرت، اعتماد به خود و خودباوری را در سرلوحه برنامه‌هایش قرار دهد تا خودباوری و شکوفا شدن شخصیت و توانمند شدن که از بصیرت، معرفت و خودشناسی در وجود فرد شکل می‌گیرد پایه ترقی و پیشرفت برایش باشد؛ و با خودباوری، ایمان و توکل و اعتماد به قدرت لایزال هستی و توسل، از تمام ظرفیت وجودی و استعدادهای خلاقانه و آفریننده‌اش بهره‌مند گردد و به این صورت به توانمندی و شکوفا شدن وجودش برسد؛ زیرا ایمان و انگیزه درونی که موتور محرک خلاقیت، تعالی و توانمندشان است اساسش، خودباوری است. انسان خودباور به توان خویش ایمان دارد و ایمان درونی نسبت به خود و توانایی‌های خود درواقع همان انتظاری مطمئن است که باعث و برانگیزاننده حرکت، خروج از سکون و عدم توقف و ضامن موفقیت، خلاقیت، ابتکار، رشد، توانمندی و خود شکوفایی است؛ اما حرکتی که حساب‌شده و طبق برنامه همراه باشهامت، جرئت و بدون هراس توأم با بلندنظری و بلندهمتی باشد که لازم است انسان برای موفقیتش بلندنظر باشد و از آن نهراسد. (www.porseshkadeh.com) همان‌گونه که در این باب برخی از صاحب‌نظران، مانند «گواین»، هم معتقدند سه عنصر یا رکن ضروری در درون ما وجود دارد که در هر وضعیتی، تجسم خلاقیت و موفقیت و توانمندی را رقم می‌زند. این عناصر عبارت‌اند از:

۱. آرزوها؛ آرزوها و خواستن مقدمه باور است و باید از دل‌وجان باشد. انسانی که آرزوهای معقول دارد، به مرحله آفرینش، خلاقیت و توانمندی دست خواهد یافت. منظور از آرزو احساس روشن و نیرومند یا همان بصیرت و خودشناسی است نه خواستن از سر عادت، حرص و تملک؛ زیرا آرزوها موتور حرکت‌اند. این موتور، موتورهای ذهنی را به تکاپو و توقف‌ها را به تلاطم درمی‌آورد. هر چه آرزوها معقول‌تر باشند، درجه تحقیقشان بالاتر می‌رود.

۲. عنصر دوم و سوم درونی از دیدگاه «گواین» که خلاقیت را رقم می‌زند و انسان را توانمند می‌سازد، باورها و ایمان است؛ باورها و ایمان انتظاری مطمئن است؛ هرچه بیش‌تر به هدف برگزیده خود و امکان حصول آن اعتقاد داشته باشید؛ یقین و توانایی بیش‌تری در وجود خود احساس خواهید کرد. وقتی باورمندی به موفقیت و توانمندی بالا باشد، انسان از مواهب زیر برخوردار می‌گردد: الف)

نوع نگاهش به زندگی مثبت می‌شود. ب) حرکت، فعالیت و تلاش خود را با برنامه‌ریزی توأم می‌کند. ج) در تکرار شکست‌های جزئی حل نمی‌شود. د) همواره برای توفیقات بیش‌تر فعالیت می‌کند. چنانچه آدمی امیال و آرزوهای خود را مرده تلقی کند و خود را در کل عالم بی‌ستاره به شمار آورد، به مرحله باور مثبت نمی‌رسد و همواره در باور منفی غوطه‌ور خواهد شد و از خلاقیت و توانمندی بازخواهد ماند. (<http://www.porseshkadeh.com>) ویلمام جیمز نیز می‌نویسد: «بزرگ‌ترین کشف نسل ما این است که انسان می‌تواند با تغییر دادن نگرش خود زندگی‌اش را تغییر دهد. بدیهی است انسان همان‌گونه زیست می‌کند که باور دارد. قبول شکست پیاپی و ایمان به اضمحلال وجود و عدم اندیشه در مراحل موفقیت، آدمی را بی‌خاصیت و ناتوان می‌کند و انسان در تخریب خود تسلیم می‌شود. در نتیجه لازم است برای موفقیت، توانمندی و خود شکوفایی، بصیرت و خودشناسی به مرحله باور برسد، زیرا بصیرت، ایمان و باورهای مثبت عامل هدایت‌گر انسان به سمت موفقیت و توانمندی و خلاقیت است و انسان موفقیت جو، موفقیت ساز می‌شود. گویا دستانی نامرئی به سمت او دراز می‌شوند تا وی را یاری دهند. چنین انسانی، دارای نظم، برنامه‌ریزی و فرصت شناسی می‌شود. باورهای منفی نیز به اندازه باورهای مثبت قدرت دارند؛ اما تأثیر منفی می‌گذارند. گاه یک باور منفی یقینی ترکش‌های خود را در سرتاسر زندگی یک فرد رها می‌سازد. انسان نباید فراموش نماید که باور داشتن به چیزی سبب می‌شود آن چیز تجلی کند؛ بنابراین لازم است موفقیت، توانمندی و خلاقیت خود را به خاطر توفیق و برای اعتماد به نفس و به خاطر باورمندی خویش آرزو کند؛ زیرا انسان‌ها برای موفقیت در هر کار، توانمندی و خلاقیت در زندگی و برنامه‌هایش به مثلث باور، ایمان، بصیرت و خودشناسی و تلاش نیاز دارد.

۲/۱/۳. آموزه ارزشمندی تفکر و تعقل

یکی دیگر از باورهای اسلامی که از سفارشات و تعالیم دینی در وجود انسان مسلمان و مؤمن شکل می‌گیرد و آموزه از آموزه‌های مهم دینی است باورمندی به فضیلت و ارزش تفکر و تعقل می‌باشد. در این راستا منابع اسلامی توصیه‌ها و سفارش‌های فراوان دارد که از تعقل، اندیشه و تفکر سخن به میان آورده و انسان را تشویق و ترغیب اکید و شدید به تفکر و اندیشه در وجودش، جهان و پیرامون اطرافش کرده است که همه این موارد و این تأکیدها نشان‌دهنده اهمیت و راهگشایی عقل و محور بودن تفکر و نتایج آن در خلاقیت، شکوفایی و کمال انسان و توانمند شدنش از نگاه متون دینی است. در احادیث و سفارش‌های دینی علاوه بر آیات قرآنی، توجه خاصی به اندیشیدن و تفکر گردیده و سفارش‌ها و توصیه‌های فراوانی به ما رسیده است تا جای که در مقام ارزش‌گذاری تفکر؛ نه تنها آن را عبادت بلکه بالاتر از عبادت دانسته و فکر کردن یک ساعت را برتر از عبادت هفتادسال قرار داده

است. با عنایت به تأکید اسلام بر تفکر و اندیشیدن و تأکید بر تربیت انسان مسلمان به‌عنوان انسان متفکر و دارای اندیشه و فکر و دعوت مستمر برای فکر نمودن؛ باور عمیق نسبت به ارزش و فضیلت تفکر و اینکه تفکر راه‌حل تمام مشکلات و موجب توانمند شدن است در وجود انسان مؤمن شکل می‌گیرد که وجود و حضور چنین عقیده و باور در جان انسان مسلمان که از سفارش‌های اسلامی سرچشمه گرفته است، در خلاقیت انسان و نیروی انسانی و توانمند شدنش تأثیر زیاد و به سزایی دارد؛ و انگیزه می‌شود برای اینکه فرد مؤمن به تفکر و داشتن فکر و ذهن فعال همت گمارد.

قرآن کریم، به‌عنوان کتاب راهنمای جامع زندگی، در هجده مورد همگان را به تعقل و تفکر دعوت و تشویق می‌کند و ۲۴ مرتبه تشویق به نظاره همراه با اندیشه دارد و همچنین در چهار مورد از انسان‌ها می‌خواهد که تدبیر داشته باشند. به‌علاوه شانزده بار از انسان‌ها می‌خواهد که با عقل خود بسنجند و به همین میزان کسانی را که از این نیرو بهره نمی‌گیرند، توبیخ می‌کند. در یکجا فکر و اندیشه را مخصوص اهل خرد و خردمندان می‌داند و در توصیف خردمندان مسئله تفکر و فکر را مطرح کرده و در وصف خردمندان، چنین آورده است: الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُحُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ^۱ همانان (خردمندان) که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلوی آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [که]: پروردگارا، این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار. آیه کریمه فوق، خردمندان را کسانی می‌داند که صاحبان فکر و اندیشه هستند و در حال قیام و قعود به یاد خداوندند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین اندیشه و فکر می‌کنند.

بیانات قرآن کریم در این باره بسیار متنوع است و در مناسبت‌های زیاد از لزوم تعقل، تدبیر و تفکر سخن می‌گوید در یکجا بعد از بیان احکام و تحریم شراب و زیان آن^۲ و در مواردی بعد از بیان نعمت‌های معنوی مانند عدم مساوی بودن علم و جهل^۳ و نعمت نزول قرآن و معنویت و در مواردی بعد از بیان نعمات مادی از قبیل فرزند، همسر،^۴ باغ‌ها و میوه‌ها^۵ و آنچه از زمین خارج می‌شود^۱ و

۱. آل عمران/۱۹۱.

۲. بقره/۲۱۹.

۳. انعام/۵۰. اعراف/۱۷۶. نحل/۴۴. حشر/۲۱.

۴. سوره روم/۲۱.

۵. بقره/۲۶۶.

وقت نام بردن از زنبور عسل که ماده شیرین و بی نظیری (عسل) را به عنوان بهترین هدیه به بشر ارزانی می‌دارند^۲ و در جای دیگر بعد از یاد مرگ و تشبیه خواب به مرگ^۳ و نیز رام کردن تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای انسان،^۴ و موارد متعدد و فراوان دیگری که در اینجا بیش از این، مجال برای اشاره و پرداختن به آن‌ها نیست. تأکید و سفارش قرآن کریم بر تفکر و اندیشیدن متمرکز شده است. به پیروی از قرآن کریم، در بیانات نورانی معصومین (ع) نیز سفارش‌ها و تأکیدات ویژه برای دعوت به تفکر وارد شده است، از جمله نقل است که امام صادق (ع) فرمود: فردی نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! توصیه و سفارشی به من بفرما. آن حضرت سه بار از او پرسید: اگر سفارشی کنم انجام می‌دهید؟ آن شخص در هر سه بار پاسخ داد: آری، ای رسول خدا! حضرت رسول اکرم (ص) فرمود: به تو سفارش می‌کنم که هرگاه خواستی کاری انجام دهی درباره سرانجام آن تفکر و تدبر کن؛ اگر مایه رشد و هدایت بود انجام بده. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۲۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳، ش: ص ۶۸) در بیان نورانی دیگری از امام علی (ع) هم آمده است که فرمود: لا شرف کالعلم ولا علم کالتفکر، (بحارالانوار، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۸۳) هیچ بزرگی مانند داشتن علم نیست و هیچ علمی به تفکر نمی‌رسد. باز هم فرموده است: الْحِیلَةُ قَائِدَةُ الْفِكْرِ، (آمدی، ۱۳۶۶، ش: ص ۱۹۸) جالب است در جای دیگر، تنها راه مقابله با خوابیدن و کندی عقل و بیداری آن و هوشیار نگه داشتن عقل و تجدید و تازه سازی فکر و رسیدن به نوآوری و خلاقیت و توانمند شدن را، اندیشیدن و تفکر دانسته و بیانی زیبایی از امام صادق (ع) در این مورد آمده که می‌فرماید: فَإِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةُ الْقَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَشْمِي الْمُسْتَتِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ، (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۷۰) یعنی همان گونه که با کمک نور در تاریکی‌ها راه می‌پیماییم، اندیشه نیز به منزله نور قلب یا عقل، ما را به بصیرت و روشنایی و تازگی فکر و خلاقیت و توانمندی می‌رساند. در هر حال احادیث و روایات از معصومین (ع) در این باره زیاد است که به خاطر رعایت اختصار از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود و محققان ارجمند را به منابع حدیثی و روایی ارجاع می‌دهیم. تمام این موارد مستنداتی است که نشان‌دهنده این مطلب هستند: تفکر مطلوب، باعث تولید ایده‌های جدید و حل خلاقانه مسئله

۱. یونس/۲۴. رعد/۳. نحل/۱۱.

۲. نحل/۶۹.

۳. زمر/۴۲.

۴. جاثیه/۱۳.

می‌شوند و خلاقیت را در نیروی انسانی ایجاد و پرورش می‌دهند و نیروی انسانی را توانمند می‌سازد؛ زیرا از نگاه متون اسلامی، انسان مؤمن، فرد اندیشه محور است و این اندیشیدن در اندوخته‌ای علمی است که موجب بسط آن‌ها می‌شود و حل مسئله خلاقانه و توانمندی را به دنبال دارد. در یک جمع‌بندی پایانی می‌توان گفت: مجموعه‌ی این سفارش‌ها و تأکیدات صریح و مشوقانه دین مبین اسلام موجب می‌گردد تا باور و عقیده محکم برای فرد مؤمن و مسلمان نسبت به تفکر، ارزش و فضیلت آن و اهمیت فکر و اندیشیدن به وجود آید؛ که ایجاد چنین عقیده و باورمندی به فضیلت و ارزش تفکر، یکی دیگر از آموزه‌ها و باورهای اسلامی است و در خلاقیت و توانمندی نقش بسزایی دارد. حتی طبق بعضی تعاریفی که از خلاقیت داشتیم، اصلاً خود تفکر خلاقیت و توانمندی است و تفکر همان خلاقیت و حداقل از سازه‌های مهم خلاقیت می‌باشد و به این ترتیب در اصل خلاقیت، ایجاد و رشد آن نقش مؤثر و مهمی دارد و یک امر ارزشمند و بی‌نظیری است که خاص انسان است و به خاطر داشتن این ویژگی خاص انسان مسلط بر محیط، امور و اشیایی پیرامونی خود بوده و برخوردار از توانمندی خاص است. ارزشمندی و فضیلت تفکر در حقیقت نیز به جهت این است که عقل و قدرت تفکر و اندیشیدن به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز انسانی، توانایی استثنایی و از صفات خلاقانه بشری و یکی از شاخصه‌های مهم امتیاز آدمی بر دیگر مخلوقات در گسترده هستی است. به طوری که با این ویژگی و امتیاز، بشر توانسته است طبیعت و دیگر مظاهر و موجودات محیط اطراف خودش را با خلاقیت تمام مسخر نموده و به خدمت گیرد و از همه آنان توانمندتر باشد.

۳/۱/۳. آموزه فضیلت علم، کنجکاوی و اهمیت کسب دانش

یکی آموزه‌های اسلامی که از نگرش و توصیه‌های بی‌سابقه اسلام نسبت به ارزشمندی علم و دانش در باور مسلمانان ایجاد شده است، باورمندی به کسب علم و دانش و ارزشمندی آن است؛ زیرا نگرش اسلام به منزلت رفیع علم و عالم و حرمت دانش و دانشور، بسیار روشن و مشوقانه است. اسلام به عنوان تنها مکتب جامع و جاوید و پیشرو در مورد علم و دانش و علم‌آموزی و برتری عالم بر جاهل و علم بر جهل آن قدر سخن گفته است که هیچ آئین و مکتبی چنین توجهی در این مقوله نکرده‌اند. نخستین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) در فضایی تاریک جاهلیت کهن، از علم و قلم سخن گفته است و پیامبر اکرم (ص)، علم‌آموزی را واجب نمود. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق: ص ۲۹۲) و تا حدی در این مقوله پیش رفته است که در اسلام آموختن و طلب علم بر تمام مسلمانان اعم از زن و مرد فرض شده است و شعار دین مبین اسلام: اطلب العلم من المهد الی الحد، یا ز گهواره تا گور دانش بجوی است. مطابق این توصیه‌ها و سفارش‌های روشنگر دین و راهنمایی‌های هدایت بخش دینی، باورمندی به ارزش علم و دانش و فضیلت کسب آن، با جان و دل مؤمن عجین گشته و جزء از

باورهای مسلمانان قرار گرفته و از آموزه‌های مهم دینی است. آری همان‌گونه که اشاره شد قرآن کریم برای ایجاد انگیزش در این راستا و در جهت کسب علم و باورمند سازی مسلمانان به ارزشمندی علم و دانش فرمایشات گوناگونی ایراد نموده است. در یکجا با تجلیل‌های متنوع از علم و دانش، از آن به‌عنوان برترین ارزش‌ها یاد می‌کند و به پیامبر اسلام (ص) سفارش می‌نماید تا همواره بگوید: رب زدنی علماً،^۱ در جای دیگر یکی از مهم‌ترین هدف بعثت انبیای الهی را تعلیم علم و حکمت برمی‌شمارد.^۲ و در جای دیگر در مقام ارزش‌گزاری و تعیین درجات، برای اهل ایمان یک درجه و برای عالم و اهل علم درجات متعدد را در نظر می‌گیرد و می‌فرماید: یرفع الله الذین آمنوا... والذین اتوا العلم درجات^۳ و در مقایسه میان علم و ایمان و جهل و شرک، از علم و ایمان به بینایی و نور و از جهل و شرک به کوری و تاریکی یاد نموده و از علم به زندگی و حیات و از جهل به مرگ یاد نموده و فرموده است: و مایستوی الاعمی و البصیر و لا الظلمات و لا النور و...^۴ هل یستوی الاعمی و البصیر، ام هل تستوی الظلمات و النور،^۵ و در قالب بیان سؤالی و باحالت تعجب برای آشکارسازی والایی علم و دانش، می‌فرماید: هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون^۶ و نیز جهت تنبیه دادن و تصریح نمودن به اهمیت و ارزش بی‌نظیر علم و دانش و ابزار دانش (قلم)، در سخنان آغازین وحی و نخستین آیات قرآن کریم که بر پیامبر (ص) نازل شد، صحبت از قرائت و تعلیم و قلم نمود تا از اهمیت بالای علم و دانش برای بندگانش حکایت نماید. آنجا که می‌فرماید: اقرأ باسم ربک الذی الخلق و...^۷ و حتی در یکی از سوره‌های قرآن کریم به قلم و نوشته سوگند می‌خورد و می‌فرماید: ن و القلم و مایسطرون،^۸ طبق بعضی تفاسیر که «ن» را دوات یا مرکب معنا کرده‌اند. تمام این بیانات مشوقانه و این تجلیل‌ها و تکریم‌های بی‌سابقه، در مورد علم، دانش و دانایی در زمانی است که تنها هفت یا دوازده تن در حجاز قلم‌به‌دست و کاغذ نویس وجود داشت. اساساً در فرهنگ مردم آن زمان،

۱. طه/۱۱۴.

۲. جمعه/۱. آل عمران/۱۶۴.

۳. مجادله/۱۱.

۴. فاطر/۱۹-۲۲.

۵. رعد/۱۶.

۶. زمر/۹.

۷. علق/۱-۵.

۸. قلم/۱.

خصوصاً مردم جزیره العرب، دانش و سواد اهمیتی نداشت و حتی قلم را حقیر می‌شمردند و آنچه در نظر آنان مقدس بود شمشیر بود و اسب! (صدر، ۱۳۷۹ ش: ص ۱۶) قرآن کریم به‌رغم چنین جو و فضایی تاریک و هولناک، مهم‌ترین ارزش را دانایی و کسب شناخت و دانش معرفی نمود و بهترین دانش را نیز دانش خداشناسی و معرفت دینی قرارداد و بهترین شیوه شناخت خدا را مطالعه آیات آفاقی و انفسی ذکر نمود^۱ و آن‌قدر برای علم و دانش اهمیت و ارزش قائل شده است که به‌صورت پی‌درپی درج‌های مختلف قرآن کریم به آن اشاره نموده تا آنجا که ماده علم در قرآن کریم با اشکال مختلف بیش از ۷۵۰ بار تکرار شده است. (خراسانی، ۱۳۹۲ ش: ص ۲۴۰) و نشان می‌دهد تکریم عالم و ارزش علم از آموزه‌های مهم دینی و اسلامی است که خود زمینه و سبب خلاقیت و تعالی و بزرگ‌ترین وسیله توانمندی انسان و نیروی انسانی است. از نظر اسلام نه تنها علم و دانش که کنجکاوی و پرسشگری جهت درک درست مسئله نیز بسیار مهم است. قرآن مجید روحیه پژوهش-گری در مسیر حقیقت‌یابی را ارج می‌نهد و بر تحقیق و جستجوی آزاد و گزینش راه صحیح تأکید ویژه دارد و می‌فرماید: الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ^۲، آنان که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند این‌اند که خدایشان راه نموده و این‌اند همان خردمندان. علاوه بر این، نصوص دین اسلام، آکنده از مضامین و مطالب علمی است؛ به‌گونه‌ای که یکی از وجوه اعجاز کتاب آسمانی اسلام اعجاز علمی آن شناخته‌شده و در این باره صدها کتاب به نگارش درآمده‌است. (سبحانی نیا، ۱۳۸۷ ش: ص ۳) این سفارش‌های و توصیه‌های اکید اسلام بود که تمدن مترقی اسلامی را توسط مسلمانان باورمند به وجود آورد و مسلمانان را به گونه‌ای توانمند نمود که بعد از ظهور خود در کمتر از نیم‌قرن تقریباً بر نیمی از مساحت مسکونی زمین چیره گشت و آن تمدن درخشان و پیشرو را که تا قرن‌ها جلو بود شکل داد. این توفیق در راستایی ایجاد تمدن و فرهنگ بزرگ اسلامی برای مسلمانان میسر نبود جزء در سایه ایمان و باورمندی به ارزش و فضیلت علم و کنجکاوی. به دلیل اینکه اسلام به همه‌ی علوم با دیده تقدیر و احترام نگریسته و آن‌ها را وسایل معتبر در راه رسیدن انسان به خلاقیت، توانمندی و رسیدن به هدف انسانی و کمال اصیل و مقام خلیفه‌اللهی خود شناخته و سیر در این راه را به‌عنوان یک واجب مقدس تلقی کرده است. (صدر، ۱۳۷۹ ش: ص ۷۷) و برای کسب بهتر دانش و دانایی راهکار سؤال و

^۱. فصلت/۵۳.

^۲. زمر/۱۸.

پرسش از آگاهان را مطرح نموده و می‌فرماید: اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر و دانش سؤال کنید.^۱ همان- طور که پیامبر گرامی اسلام (ص)، نیز می‌فرماید: العلم خزائن و مفتاحها السؤال فسألوا رحمکم الله... (حرانی، ۱۴۰۴ ق- ۱۳۶۳ ش: ص ۵۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۱ ش: ج ۴، ص ۳۳۰) دانش گنجینه‌هایی است که سؤال و پرسش کلیدهای آن‌اند، پس بپرسید آنچه را که نمی‌دانید تا مشمول رحمت خداوند قرار گیرید. در جای دیگر نیز می‌فرماید: العلم علیه قفل و مفتاحه المسئله، (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۴۰) بر علم قفلی است که کلید آن پرسش است. در مجموع پس از بررسی آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) در فضیلت و ارزشمندی علم و دانش و کسب آن، این نتیجه مشهود است که مستندات دراین باره بیش از آن است که در اینجا قابل احصاء و یادآوری باشد و به گونه‌ای است که چنان انگیزه برای کسب علم و معرفت ایجاد می‌نماید که مسلمانان را برای رسیدن به تمام علوم به حرکت وامی‌دارد، چنانکه تاریخ اسلام گویای این مطلب است و نشان می‌دهد که مسلمانان صدر اسلام بر اساس آن تعالیم مشوقانه و باورمندی به آن و عمل کردن مطابق آن، خلافتان به همه علوم و دانش‌های بشری راه یافتند و با توانمندی بالا قافله علمی و تمدنی بشر را با سرعت تمام به حرکت درآوردند و خدمات بی‌نظیر و بی‌سابقه‌ای را به بشر و تمدن بشری ارائه دادند.

۴/۳/۲. آموزه اهمیت نیت و انگیزه‌های درونی

یکی از باورهای اسلامی که تعالیم اسلام و آموزه‌های نورانی آن، به پیروان خود ارزانی داشته و مسلمانان برخلاف پیروان مکاتب غربی آن را باور دارند و مطابق تعالیم و آموزه‌های دینی‌شان، جزء از باورهایشان است، باور به تأثیر نیت و انگیزه‌های دورخی بر پاداش‌ها و رفتارهاست. اگرچه معمولاً در مکتب‌های اخلاقی غربی، معیار قضاوت در مورد ارزش داشتن یا نداشتن یک رفتار، نفس عمل و نتایج آن است، بدون اینکه انتساب آن به فاعل و انگیزه و نیت مطرح و اعتبار داشته باشد، چه‌بسا در این مکاتب، افعالی که فقط حسن فعلی دارد، ارزش محسوب می‌شود؛ مانند عبادتی که شخص به قصد ریا انجام می‌دهد؛ اما از دیدگاه اسلام تنها معیار ارزش، حسن فعلی نیست، بلکه حسن فاعلی هم مدنظر قرار می‌گیرد و در پاداش‌ها و رفتار مؤثر است. از نظر اسلام، آنجا که عبادت فقط، با نیت خالص محقق می‌شود، ارزشمند است. عبادت بی‌اخلاص، نه تنها از هر جهت بی‌ارزش است، بلکه ضد ارزش است؛ به همین دلیل، در بسیاری از آیات، حسن فاعلی (آم نوا) و حسن فعلی (عمل‌ها الصالحات) در کنار هم ذکر شده و ارزش رفتار و عمل انسان ناشی از هر دو بعد دانسته شده

^۱. سوره نحل، آیه ۴۴.

است. (عابدی جعفری و معصومی مهر، ۱۳۹۲ ش: ص ۳۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۵ ش: ص ۱۵۲) به دلیل اینکه بر اساس واقعیت‌های فلسفی و روان‌شناختی بین ظاهر و باطن ارتباط فراوانی وجود دارد و نیت و انگیزه‌های درونی فرد و صفات نفسانی آدمی نیروی محرکه او در اعمال و رفتار و درواقع بیانگر حقیقت و مرتبه وجودی آن فرد می‌باشد. قرآن کریم در مورد رابطه صفات نفسانی و نیت انسان با رفتار بیرونی فرد می‌فرماید: ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ^۱ این است [فرايض خدا] و هرکس شعایر خدا را بزرگ دارد در حقیقت، آن [حاکمی] از پاکی دل‌هاست و ناشی از میل، نیت درونی و انگیزه‌های باطنی آن شخص است. در روایتی از امام صادق (ع) هم وارد شده است: فساد ظاهر ناشی از فاسد بودن باطن است. کسی که سرشت و باطن خویش را اصلاح کند خداوند ظاهر او را اصلاح خواهند نمود. (گیلانی، ۱۳۷۷: ص ۴۹۶) از روایت و آیه استفاده می‌شود که ایمان درونی محرکی است به‌سوی رفتار و عمل پسندیده و در حقیقت رفتار برون داد و انعکاس نیت و عصاره خارجی آن است. در آیه دیگر قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرْبُكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا^۲ بگو: «هرکس برحسب ساختار وجودی [روانی و بدنی] خود عمل می‌کند و پروردگار شما به هر که راه‌یافته‌تر باشد داناست.» شاکله در اصل از ریشه شکل به معنی دربند کردن حیوان است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ص ۴۶۲) از آنجاکه روحیات و عادت‌های هر انسانی او را مقید به رویه‌ای می‌کند به آن شاکله می‌گویند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۲، ص ۲۴۶) از این تعریف استفاده می‌شود که شاکله همان هویت و شخصیت درونی هر انسانی است که عوامل متعددی از قبیل روحیات و عادت‌ها و به‌ویژه افکار و اعتقادات شخصی در شکل‌گیری آن مؤثر است. این شاکله در نوع و کیفیت اعمال و رفتارهای خارجی انسان کاملاً تأثیرگذار است. (حسنی، ۱۳۸۹ ش: ص ۱۵۹) همچنان صاحب مجمع‌البیان این معنی را در قالب سه نقل قول از بزرگان تفسیر بیان داشته و آورده است: هر یک، مؤمن و کافر، بر طبق طبیعت، خلق و خوئی که متخلق به آن شده است عمل می‌کند، این قول ابن عباس است و از فرا و زجاج نقل شده است. آنان در تفسیر آیه گفته‌اند: هر انسانی بر طبق راه و سنتی که به آن عادت کرده رفتار می‌کند؛ و از جبایی نقل شده است که در تفسیر آیه گفته است: هرکس رفتاری را که به اعتقاد او درست‌تر و به حقیقت نزدیک‌تر است، انجام دهد. (طبرسی، ۱۴۰۶ ق- ۱۹۸۶ م: ج ۱۳، ص ۴۳۶)

۱. حج/۳۲.

۲. اسراء/۸۴.

در بعضی روایات شاکله به معنی نیت تفسیر شده است: امام صادق (ع) می‌فرماید: نیت افضل از عمل است، اصلاً نیت همان عمل است. (بحرانی، بی‌تا: ج ۳، ص ۵۸۱) چنانکه طبق نظر کارشناسان مجموع سه رکن آرزو، باور و پذیرش، نیت و انگیزه نامیده می‌شود. نیت و انگیزه‌ای که هرگاه در درون فرد برای آفریدن چیزی کامل شود و به وجود آید، مرزهای موجود را درهم می‌شکند و به آفرینندگی و خلاقیت و نوآوری دست می‌یابد و به این صورت انسان برخوردار از توانمندی خاص می‌گردد. به عبارت دیگر هرگاه فرد سراپا طلب و آرزو و انگیزه باشد و اعتقاد کامل داشته باشد، برای انجام خرکاری توانایی دارد؛ به قول دکتر شریعتی وقتی عشق فرمان دهد، محال است سر تسلیم فرود آورد و هرگاه فرد کاملاً مشتاق و باورمند به سمت کاری حرکت کند، خلاقانه آن را انجام خواهد داد. چنانچه در روایت دیگری داریم که فرموده است: الاعمال بالنیات، یعنی کارها با نیت‌ها تحقق می‌یابند؛ یعنی هرچه، نیت شما روشن‌تر و اراده شما نیرومندتر باشد، تجسم خلاق شما سریع‌تر و آسان‌تر به ثمر خواهد رسید و توانمندی بیشتر می‌باشد. (<http://www.porseshkadeh.com>) این مطلب گویایی رابطه و نقش باورمندی به نیت و انگیزه‌های درونی در رشد خلاقیت و تعالی و افزایش و بیشتر شدن توانمندی می‌باشد و این مسئله نیز بسیار واضح است که نیت هر انسانی از افکار و اعتقادات و مرام او برمی‌خیزد و از همین جا نقش افکار و اعتقادات شخص در نوع رفتاری که از او بروز می‌کند مشخص می‌شود. (حسینی، ۱۳۸۹ ش: ص ۱۶۰) و از آن طرف نیت بر رفتار و شخصیت فرد و روشنی ضمیر و صفای درون انسان‌ها تأثیر و نقش بسزایی ایفاء می‌کند؛ بنابراین افرادی که باورمند و ملتزم به تأثیر نیت و افکار در عمل و پاداششان است، سعی می‌کنند که همواره نیت و انگیزه‌های درونی خود را اصلاح و خالص و خدایی نمایند، چنانچه این قدم یعنی اصلاح اندیشه، نیت و انگیزه درونی به خوبی برداشته شود و شخص بتواند نیت خالص و روشنگر درونی خود را الهی و خالص نماید، بالطبع و الزاماً به اشراق و الهامات درونی دست می‌یابد، نور ایمان سراسر وجود و هستی چنین انسانی را فرا می‌گیرد و زمینه رشد افکار خالص، ناب و خلاقانه و ایده‌های تازه و جدید در ذهن و فکرش تراوش و تجدید می‌شود و شخص به خلاقیت و خودشکوفایی و تعالی و توانمندی دست می‌یابد.^۱ زیرا از لوازم صفایی درون و خلوص نیت و انگیزه‌های پاک درونی و عمل صالح و تقوی، الهامات و افاضات نورانی ربانی و الهی است که همراه افکار ناب و خلاقانه و

۱. در فرمایشی از امام علی (ع) آمده است: من اخلص لله اربعین صباحا یجری الحکمه من قلبه الی لسانه،

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۶ و ج ۶۷، ص ۲۴۲.

ایده‌های جدید و تازه می‌باشد. قرآن کریم نیز در تائید این مطلب فرموده است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ**^۱، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد و گناهانتان را از شما می‌زداید و شمارا می‌آمرزد و خدا دارای بخشش بزرگ است. منظور از فرقان همان بصیرت و روشنی روح و جان است؛ یعنی پرهیزکاری و رعایت تقوایی الهی، سبب بصیرت و روشنی دل و جان و رشد ایمان و راسخ‌تر شدن اعتقادات صحیح و حق و در نتیجه موجب خود شکوفایی، خلاقیت، تعالی و کمال انسانی و توانمندی است. (حسنی، ۱۳۸۹ ش: ص ۱۶۸)

۵/۳. آموزه ضرورت تعهد و مسئولیت‌پذیری

از باورهای انسان مسلمان که ناشی از آموزه‌های دینی و اسلامی است، ارزشمند بودن تعهد و مسئولیت‌پذیری است و تعریف اسلام از انسان متعالی و ارزشمند نیز مبتنی بر مسئولیت‌پذیری و تعهد مندی اوست و حقیقت، انسان در این جهان چه از لحاظ طبیعی و ترکیبات ساختمانی وجود، چه از نظر مسئولیت و هدف و چه از لحاظ سرنوشت و عاقبت، موجودی است یگانه و یکتا. وی در بین همه موجوداتی که شناخته‌ایم و دیده‌ایم و یا ندیده‌ایم از گفته خداوند به وجود آن‌ها آگاه شده‌ایم، موجود بی‌همتا است که از روی حساب دقیق و برای هدف مشخص آفریده شده و در دستگاه ساختمانی او گزاف، تصادف، عبث و بی‌هدفی راه ندارد. این مطلبی است که از آیات قرآنی و همچنین از نظریه کلی اسلام درباره انسان به‌خوبی آشکار می‌شود. بی‌نظیر بودن انسان در جهان آفرینش، از جهت طبیعت، ترکیب و مسئولیت و غایت وجود و هم از نظر سرنوشت و عاقبت کار، همان است که در متون اسلامی آمده و روی هم رفته طرز تفکر اسلامی را نسبت به انسان نشان می‌دهد. چنانکه پیامبر گرامی اسلام (ص) در مورد مسئولیت من دی انسان مسلمان می‌فرماید: **کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة**، (مجلسی، ۱۳۶۵ ش: ج ۷۵، ۳۵) همه شما نگهبان حقوق مردم و همه شما در مقابل مردم و خداوند مسئول هستید. این روایت و دیگر نصوص اسلامی مقرر می‌دارد که انسان موجودی است یکتا، نمونه، مسئول، متعهد و دارای هدف. او در زندگی مورد آزمایش قرار

۱. انفال/۲۹.

خواهد گرفت و بالاخره از سلوک و رفتار او حساب به عمل می‌آید^۱ و کیفر یا پاداش او معین خواهد شد. (صدر، ۱۳۷۹ ش: ص ۱۹) بنابراین، مطابق محتوای نصوص اسلامی، انسان یک موجود متعهد، مسئولیت‌پذیر و بسیار ارزشمند است؛ و آن چیزی که به انسان تعهد و مسئولیت می‌بخشد، دین، آموزه‌ها و باورهای دینی است. نتیجه دین‌باوری پذیرش قوانین الهی و پیروی از قوانین اجتماعی و داشتن پشتوانه برای اخلاق فردی و اجتماعی و تمکین از قوانین عمومی است. همان‌گونه که برای اجرای قوانین و حفظ ارزش‌های اخلاقی در جامعه به وجود و حضور پلیس نیاز است، همین کارکرد را دین و باورهای دینی نیز می‌تواند داشته باشد؛ زیرا انسان متدین، دین‌دار و باورمند در هر شرایط و موقعیتی، از قوانین اجتماعی و دستورات دینی و اخلاقی اطاعت و پیروی می‌نماید. (نبوی، ۱۳۹۳ ش: ص ۵۶) لذا دین‌باوری و باورمندی به دین و ملزم شدن به آموزه‌های دینی موجب باورمندی به ارزش تعهد و مسئولیت‌پذیری می‌گردد که به دنبال آن انسان متدین را، انسان متعهد و مسئولیت‌پذیر می‌گرداند. لذا در صورتی که دین در جامعه نهادینه شود و مسلمانان با تمام وجود باورمند گردند قوانین اجتماعی ضمانت اجرایی فوق‌العاده، از درون انسان‌ها پیدا نموده و ارزش‌های اخلاقی از جمله باورمندی به تعهد و مسئولیت‌پذیری و عمل به مسئولیت‌ها از جانب کارکنان و اعضاء سازمان و افراد جامعه حفظ و جاری می‌گردد. در نتیجه با التزام و عمل به آموزه‌های دینی و باورمندی به ارزش و لزوم تعهد و مسئولیت‌پذیری، انسان انگیزش می‌یابد تا شخص مسئول و متعهد باشد چنانچه اگر در این دایره وارد شود و ضمن باورمندی به ارزش تعهد و مسئولیت‌پذیری، تعهد و مسئولیت‌پذیری را سرلوحه کار، برنامه‌ها و فعالیت‌های زندگی خود قرار دهد، خلاقیت، خود شکوفایی و تعالی و کمال، سرنوشت مختوم و قطعی برای این‌چنین افراد است که همین ویژگی به‌نوعی توانمندی فرد است. به این طریق افراد و نیروی انسانی متعهد و مسئولیت‌پذیر در ضمن توانمند شدن به خلاقیت، تعالی و نوآوری دست می‌یابد و خلاقیت نیروی انسانی محقق می‌شود.

۲/۳. نتیجه‌گیری و بیان یافته‌های پژوهش

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد، آموزه‌های دینی به‌ویژه آن‌گونه که در قرآن کریم تبیین شده است، تنها و صرفاً مجموعه‌ای از عقاید انتزاعی و نظری محض نیستند، بلکه کارکردهای عملی و

^۱ قرآن کریم در این باره می‌فرماید: و قفوههم انهم مسئولون، صافات/۲۴ و نیز می‌فرماید: فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره و من يعمل مثقال ذره شره یره، زلزال/۷-۸ و در جای دیگر می‌فرماید: یوم تجد کل نفس معاملة من سوء... آل عمران/۳۰.

مؤثر در شکل‌دهی به شخصیت، انگیزه، نگرش، بینش و عملکرد نیروی انسانی دارند و با عنوان: اعتقادات، احکام و اخلاق به ایجاد یک چارچوب معنایی جامع و واقعی به زندگی انسان جهت می‌بخشند و او را در مسیر رشد، کمال و تعالی درونی هدایت می‌کند و نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نقشی بنیادین و کلیدی در تقویت و شکوفایی خلاقیت، تعالی و توانمندی نیروی انسانی ایفاء می‌کنند. این تأثیرگذاری از طریق ایجاد سیستم ارزشی مستحکم است. به این معنی که آموزه‌های دینی یک چارچوب ارزشی قوی و منسجم را در درون فرد بنا می‌نهند. ارزش‌های مانند بصیرت و خودشناسی، تفکر و تعقل، ارزشمندی علم و دانایی، صداقت، راستی، امانت‌داری، نظم، سخت‌کوشی، استقامت و پایداری، انصاف و مسئولیت‌پذیری، خدمت به خلق خدا، نیت خالص و انگیزه الهی و ... که افراد را به سمت تلاش بیشتر، نوآوری، بهبود مستمر و دستیابی به کیفیت بهتر و تعهد کاری بالاتر سوق می‌دهد؛ زیرا فردی که باورمند به آموزه‌های دینی و اسلامی است انجام این اعمال را خالصانه و مطابق با رضایت و خشنودی حق تعالی و به‌عنوان وظایف دینی خود تلقی می‌کند. از طرفی هم ملتزم بودن به آموزه‌های دینی موجب افزایش انگیزه و تعهد بیشتر می‌گردد همان‌طور که اشاره شد. به دلیل اینکه اعتقاد به آموزه‌های دینی ازجمله اعتقاد به خداوند، روز جزاء و پاداش‌های الهی، انگیزه و میل درونی قوی برای کار و تلاش ایجاد می‌کند. این انگیزه مستقل از پاداش‌های دنیوی به‌عنوان نیت و قصد خالصانه درونی است که باعث تعهد عمیق‌تر کارکنان و نیروی انسانی به کار، سازمان و اهداف جمعی می‌شود. فردی که بر اساس آموزه‌های دینی، باورها و عقاید قوی دارد، کار خود را به چشم یک وظیفه الهی می‌بیند و به اتمام توان، اخلاص و نیت الهی آن را انجام داده و در تحقق هدف کوشا است. علاوه بر موارد پیش گفته، باورمندی بر پایه آموزه‌های دینی و اسلامی مایه صبر و تاب‌آوری فرد و پرورش کارکنان مقاوم‌تر می‌گردد. ازاین‌جهت که مطابق آموزه‌های دینی باور به تقدیر الهی و صبر در برابر مشکلات، به کارکنان کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌ها و شکست‌ها، دلسرد نشوند و با عزمی راسخ‌تر به تلاش و فعالیت خود ادامه دهند. این تاب‌آوری، زمینه‌ساز خلاقیت دریافتن راه‌حل‌های جدید برای غلبه بر موانع بوده و خود نوعی توسعه‌ی توانایی حل مسئله و تعالی درونی و رشد شخصیت و توانمند شدن است.

درنتیجه با توجه به مطالب ارائه‌شده، بررسی‌ها و تحلیل مباحث در این مقاله، می‌توان نتیجه گرفت که آموزه‌های دینی که سازنده باورهای درونی در انسان است نقش بسیار حیاتی و مستقیمی در افزایش و رشد خلاقیت، تعالی و توانمندی نیروی انسانی ایفاء می‌کنند. باورهای که از آموزه‌های دینی سرچشمه گرفته است، با ایجاد یک نظام انگیزشی درونی قدرتمند، تعمیق حس تعهد، مسئولیت‌پذیری و شکل‌دهی به رفتارهای اخلاق مدار و پویا، زمینه‌های لازم را برای شکوفایی

استعدادهای درونی و ذاتی فرد انسان و ارائه ایده‌های نوآورانه و دستیابی به بالاترین سطوح عملکرد و رشد تعالی و خلاقیت کارکنان و افراد و درنهایت اسباب توانمندی را فراهم می‌سازد؛ بنابراین سازمان‌ها و نهادهای امروزی، با درک این رابطه عمیق و الهی، می‌توانند با برنامه‌ریزی‌های استراتژیک، اقدام به تقویت و ترویج باورهای دینی در میان کارکنان و اعضای خود با استفاده از آموزه‌های تعالی بخش دینی و اسلامی نمایند. این امر می‌تواند از طریق یادگرفتن و آموزش‌های مرتبط، فراهم آوردن محیط اخلاقی و معنوی در سازمان و جامعه و تشویق افراد و کارکنان نسبت به التزام و عمل به آموزه‌های دینی و اسلامی در محیط کار و سازمان صورت پذیرد. سرمایه‌گذاری بر روی ابعاد معنوی و ایمانی و تعالی درونی و شخصیتی نیروی انسانی، نه تنها به رشد فردی و سازمانی منجر می‌شود، بلکه اثربخشی و بهره‌وری کلی را نیز به‌طور چشمگیری ارتقاء داده و افزایش خواهد بخشید. درنهایت نیروی انسانی که مطابق آموزه‌های دینی با باورهای دینی و اعتقادی درهم آمیخته است قادر خواهد بود در مسیر خلاقیت، تعالی و درنهایت توانمندی قدم‌ها و گام‌های مؤثر برداشته و تحولات مثبت و مفیدی را در محیط کار، سازمان و جامعه رقم بزند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی و فولادوند.
- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، ناشر: انتشارات سادات رضوی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۷ ش.
۱. آقایی فیشانی تیمور، **خلاقیت و نوآوری در سازمان‌ها و انسان‌ها**، ناشر: انتشارات ترمه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷ ش.
 ۲. آمدی تمیمی عبدالواحد، بن محمد، **غررالحکم و درر الکلم**، ناشر: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۶۶ ش، مصحح: مصطفی درایتی.
 ۳. انیس ابراهیم و دیگران، **المعجم الوسیط**، انتشارات: المكتبة الاسلامیه، استانبول، ترکیا، بی تا.
 ۴. باقری خسرو، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، ناشر: انتشارات مدرسه، چاپ دوم، بی جا، ۱۳۷۰ ش.
 ۵. بحرانی هاشم، **البرهان فی تفسیر القرآن**، ناشر: انتشارات مؤسسه بعثت، قم، بی تا تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه.
 ۶. بوزجانی برزو فرهی، **توانمندسازی مدیران استراتژیک کشور با رویکرد مدیریت استراتژیک فرهنگی**، مجله مهندسی فرهنگی، سال ۱۳۸۵ ش.
 ۷. پیروز علی آقا و دیگران، **مدیریت در اسلام**، ناشر: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، قم، ۱۳۸۵ ش.

۸. جمعی از نویسندگان، فرهنگ شیعه (کلام)، قم، چاپ اول، ناشر: انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۵ ش. تهیه کنند: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
۹. جوادی آملی عبدالله، شریعت در آینه معرفت، ناشر: مرکز چاپ و انتشارات اسراء، چاپ چهارم، قم، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. جوادی آملی عبدالله، مفاتیح الحیاة، ناشر: مرکز چاپ و انتشارات اسراء، چاپ یک‌صد و شصت و شش، قم، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. حجتی محمدحسین، تبیین نظری نقش باورهای اسلامی در خلاقیت نیروی انسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، سال دفاع ۱۳۹۷ ش.
۱۲. حجتی محمدحسین، مقاله: نقش ارزش‌ها در مدیریت، دو فصلنامه: معارف اسلامی و مدیریت، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۹۴ ش، صص: ۷۶-۱۰۰.
۱۳. حجتی محمدحسین، مقاله: کارکرد عزت‌نفس در پرورش و توانمندسازی منابع انسانی با رویکرد اسلامی، دو فصلنامه: معارف اسلامی و مدیریت، سال هفتم، شماره سیزدهم، ۱۴۰۰ ش، صص: ۱۰۳-۱۲۶.
۱۴. حجتی محمدحسین، مقاله: تبیین کارکرد ایمان و انگیزه‌های معنوی در خلاقیت نیروی انسانی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، دو فصلنامه: معارف اسلامی و مدیریت، سال نهم، شماره هجدهم، ۱۴۰۲ ش، صص: ۱۲۵-۱۵۰.
۱۵. حرانی، حسن بن علی ابن ابی شعبه، تحف العقول عن آل رسول (ص)، ناشر: انتشارات مؤسسه انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۴ ق/ ۱۳۶۳ هـ ش، تصحیح: علی اکبر غفاری.
۱۶. حسینی سعد الله، نقش باورهای دینی در اصلاح فرد و جامعه، ص ۱۵۹. چاپ اول، قم، ناشر: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.
۱۷. لطف‌الله خراسانی، فرهنگ آفرینی قرآن، ناشر: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، قم، ۱۳۹۲ ش.
۱۸. داعی نژاد سید محمدعلی، ایمان و آزادی، ناشر: انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۱۹. دهخدا علی اکبر، فرهنگ دهخدا، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۷۳ ش.
۲۰. راغب اصفهانی حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ناشر: دار الشامیه، چاپ اول، بیروت لبنان، ۱۴۱۲ هـ. ق، محقق: صفوان عدنان داوودی.
۲۱. رمضانی عباس، بررسی خلاقیت دانش آموزان با نگرش‌های فرزند پروری والدین در مدارس...، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه غیر حضوری ارومیه، ۱۳۸۸ ش.

۲۲. ژا اویی هوپر، راهنمایی موفقیت و شکوفایی فردی، ناشر: انتشارات نشر قطره، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶ ش، مترجم، آذین حسین زاده.
۲۳. سادات سمیه و دیگران، رابطه جهت‌گیری هدفی و کمال‌گرایی با خلاقیت در دانش‌آموزان دبیرستانی شاغل به تحصیل در مدارس استعدادهای درخشان، پایان‌نامه کارش است ارشد، شهریور ۱۳۸۷ ش، دانشگاه تهران.
۲۴. سبحانی نیا محمد، کارکرد دین در زندگی بشر، ناشر: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، قم، ۱۳۸۷ ش.
۲۵. سجادی سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ سوم، تهران، ناشر: انتشارات کوهش، ۱۳۷۳ ش.
۲۶. سلطانی فلورانس، نهادینه کردن نوآوری در سازمان، چاپ اول، تهران، انتشارات: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸ ش.
۲۷. طوسی محمد بن حسن، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، ناشر: انتشارات دارالبضاء، بیروت، بی‌تا.
۲۸. شیخ مفید محمد بن محمد، الامالی، ناشر: انتشارات نشر کنگره شیخ مفید، بی‌جا، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. صدر محمدباقر، اسلام و فرهنگ قرن بیستم، ناشر: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۷۹ ش، ترجمه: علی حجتی کرمانی.
۳۰. طباطبایی محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، قم، ۱۳۷۴ ش، مترجم: موسوی، محمدباقر.
۳۱. طبرسی، حسن بن فضل، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، ناشر: منشورات دارالمعرفه، الطبعة الاولى، لبنان، بیروت، ۱۴۰۶ ق، برابر با: ۱۹۸۶ م.
۳۲. عابدی جعفری حسن و معصومی مهر حمیدرضا، مدیریت اسلامی (مدل‌ها و موانع تحقق آن در جامعه و سازمان)، ناشر: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، قم، ۱۳۹۲ ش.
۳۳. علی گلی جعفر و ساجدی ابوالفضل، رشد خلاقیت و شاخص‌های آن در اسلام و روان‌شناسی، ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، قم، ۱۳۹۴ ش.
۳۴. عمید حسن، فرهنگ عمید، دوجلدی، ناشر: انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و هفتم، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۳۵. فیومی احمد بن محمد، مصباح المنیر، انتشارات: مکتبه لبنان، لبنان، ۱۳۶۶ هـ ش.
۳۶. کاظمی علی، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، ناشر: انتشارات نیل آب، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱ ش.

۳۷. کلینی محمد، اصول کافی، ۸ جلدی، ناشر: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، تصحیح: غفاری و آخوندی.
۳۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی، شرح مصباح الشریعه، ناشر: انتشارات پیام حق، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش، ترجمه: عبدالرزاق گیلانی، محقق و مصحح: آقا جمال خوانساری.
۳۹. مجلسی محمدباقر، بحارالانوار، ناشر: انتشارات دارالکتب السلامیه، تهران، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۴۰. محمدی ری شهری محمد، دانش نامه عقاید اسلامی، ناشر: انتشارات دار الحدیث، چاپ اول، قم، ۱۳۸۵ ش.
۴۱. محمدی ری شهری محمد، میزان الحکمه، ۱۴ جلدی، ناشر: نشر اعلام اسلامی، بی جا، ۱۳۷۱ هـ.ش.
۴۲. مردان پور، ناصر، خلاقیت و نوآوری، انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول، قم، ۱۳۸۷ ش.
۴۳. مصباح یزدی محمدتقی، آموزش عقاید، دوره کامل سه جلدی، ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۴۴. مصباح یزدی، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، ناشر: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۵ ش.
۴۵. مطهری مرتضی، مقدمه برجهان بینی اسلامی (۱) انسان و ایمان، ناشر: انتشارات صدرا، چاپ پنجاهم، تهران، ۱۳۹۳ ش.
۴۶. مظفری آیت، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۸۶، معنای بصیرت از دیدگاه قرآن و مقام معظم رهبری.
۴۷. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، ناشر: دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۴۸. منطقی مرتضی، کتاب کار شکوفایی خلاقیت جوان، انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰ ش.
۴۹. مهرابی امیر حمزه، توانمندسازی منابع انسانی در نظام ارزشی اسلام، ناشر: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، قم، ۱۳۹۳ ش.
۵۰. نبوی محمدهادی، صراط مستقیم، مروری بر عقاید امامیه، ناشر: انتشارات نهانندی، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش.
۵۱. و تن دیوید و کمرون کیم اس، تواناسازی و تفویض اختیار، ناشر: انتشارات موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۳ ش. ترجمه: بدرالدین اورعی یزدانی،
۵۲. هاشمی شاهرودی محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ناشر: انتشارات مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول، بی جا، ۱۳۸۲ ش.
۵۳. منابع لاتین:

۵۴. Robbins M. D. Crino & L. D. Fredendall (۲۰۰۲) **An Integrative Model of the Empowerment Process Human Resource Management** Review no ۱۲ pp ۲۲۲.

۵۵. Gordon Judith (۱۹۹۱) **A Diagnostic Approach to Organization Behavior** Third Edotion USA. ۱۲۶|

۵۶. [www.http://bavaryar.com](http://bavaryar.com)

۵۷. <http://www.porseshkadeh.com>